

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ضرورت حبس‌زدایی زنان بزهکار سرپرست خانوار در فقه و حقوق ایران با رویکردی به حقوق فرانسه

مجید وزیری^۱ (نویسنده مسوول)، حامد حسینی^۲

۱- استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
dr.majid.vaziri@gmail.com

۲- دانش‌آموخته ارشد فقه و حقوق جزای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

چکیده

نوشته حاضر به بررسی تأثیر جنسیت در حبس‌زدایی و نقش حبس در اسلام، ایران و حقوق فرانسه و تبیین وضعیت زنان بزهکار سرپرست خانوار و ضرورت حبس‌زدایی از این قشر می‌پردازد. در سیاست کیفری نظام حقوقی ایران و اسلام با توجه به جنسیت بزهکار تفاوت‌هایی در میزان دیه میان زن و مرد، تفاوت در بعضی اقسام حدود از جمله حد زنا، حد قوادی، حد ارتداد و نحوه اجرای مجازات‌های حدی از جمله جلد، رجم و تفاوت در دادن شهادت وجود دارد. همچنین حبس جزو مجازات‌های اصلی اسلام محسوب نمی‌شود. در حقوق کیفری ایران، تدبیر خاصی در خصوص مجازات زنان بزهکار سرپرست خانوار در نظر گرفته نشده و تنها پیشنهاد قانونگذار که در تبصره ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور آمده این است که زندانیان زن می‌توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند و در قانون جزای فرانسه، ایجاد تمایز میان اشخاص به دلیل جنسیت را تبعیض دانسته و تفاوت آشکاری در اجرای مجازات میان زنان و مردان قائل نشده است. با این حال، تدبیر قانونگذار فرانسه برای زنان بزهکار در نظر گرفتن کیفر خدمات عام‌المنفعه می‌باشد و برای زنان بزهکار سرپرست، هیچ تدبیر قانونی در نظر گرفته نشده است.

کلیدواژه‌ها: حبس‌زدایی، زنان بزهکار، سیاست کیفری.

مقدمه

آسیب‌هایی که به زنان بزهکار سرپرست خانوار و حتی کودکانی که بنا به اجبار می‌بایست در زندان و در کنار مادرانشان محبوس بمانند و ضرورت حبس زدایی از این قشر به جهت نقش ویژه آنها در خانواده مسأله قابل توجهی است که مغفول واقع شده است. بررسی ضرورت حبس زدایی جنسیتی با توجه به کثرت مجازات‌های تعزیری در میان محکومین زن سرپرست خانوار و اختیارات حاکم اسلامی در برگزیدن آن‌ها و همچنین با عنایت به جهت ناکارآمدی‌های حبس، با نگاهی به نقش حبس در اسلام و حمایت حقوق کیفری اسلام نسبت به جنسیت مرتکبین، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱- سیاست کیفری اسلام در رابطه با زنان بزهکار

۱-۱- قلمرو سیاست جنایی اسلام

حقوق جزای اسلام در یک نگاه برای ایراد صدمات و جراحات بدنی و جنایت عمدی بر نفس و اعضا، مجازات قصاص را در نظر گرفته است. تعداد انگشت شماری از جرایم دارای مجازات حد و برای سایر جرایم، تعزیر در نظر گرفته است. البته دیات نیز برای موارد عدم اجرای قصاص و ایراد جنایات غیر عمدی در نظر گرفته شده که ماهیت جبران خسارتی آن پررنگ‌تر بوده و نمی‌توان آن را دارای ماهیت مجازات دانست. (میر خلیلی، نمای سیاست جنایی اسلام، ص ۱۸۳).

۱- حدود

حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است (قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲: ماده ۱۵). در سیاست کیفری اسلام تعدادی محدود از جرایم مشمول مجازات حد هستند. در این دسته جرایم علاوه بر آن که عمل مجرمانه، حدود و مشخصات آن و حتی نحوه اثبات آن به طور دقیق مشخص شده. مجازات نیز دقیقاً به لحاظ میزان و کیفیت اجرا تعیین شده است. (میر خلیلی، نمای سیاست جنایی اسلام، ص ۱۸۴).

۲- قصاص

قصاص که مقابله به مثل با جانی در مقابل جنایتی است که بر نفس یا اعضا وارد کرده به تعبیر قرآن کریم موجب قوام و حیات جامعه انسانی است «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید. سیاست کیفری اسلام در خصوص این گونه جرایم نیز قابل توجه و حکیمانه است. از سویی زمام حیات قاتل را به دست اولیاء مقتول می‌دهد و قصاص را به عنوان یک حق شخصی (نه عمومی و غیرقابل گذشت) تلقی می‌کند. از سوی دیگر با تحریک و تشویق آنان به عفو و گذشت بر سیاست مجازات‌گریزی خود تأکید می‌کنند: «فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ

بِالْمَعْرُوفِ وَ آدَاءَ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ؛ پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او، تبدیل به خونبها گردد،) باید از راه پسندیده پیروی کند. (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد.) و او [= قاتل] نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد؛ و در آن، مسامحه نکند. این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما!»

۳- دیات

دیه در لغت به معنای راندن و رد کردن است (محمدی، حقوق کیفری اسلام (دیات)، ص ۱). و در اصطلاح فقهی؛ آیت الله خویی دیه را چنین تعریف کرده است: «دیه عبارت است از مال معینی که در جنایت بر نفس [یا قتل نفس] یا عضو و یا جراحات و امثال آن پرداخت می شود» (موسوی خویی، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، ص ۱۹۱). در مورد ماهیت دیه، که آیا مجازات محسوب می شود یا غرامت، و یا ماهیت دو جانبه دارد؟ نظرات مختلفی ارائه شده است. عده ای دیه را دارای ماهیت دو جانبه دانسته و عده دیگر غرامت دانسته اند، عده ای معتقدند: دیه جلوه ای از مجازات به عنوان یکی دیگر از شیوه های مقابله با جنایات و جبران آنها می باشد (میر محمد صادقی، جرایم علیه اشخاص، تهران، ص ۱۹۵).

۴- تعزیرات

در سیستم مجازات های نامعین که به تعزیرات یاد می شود و بخش وسیعی از جرم انگاری را به خود اختصاص داده است، حکومت اسلامی می تواند در مواقع گوناگون و با توجه به شرایط خاص زمانی و مکانی آن ها را تغییر دهد و کم یا زیاد کند؛ برای مثال به جای مجازات شلاق، مجازات دیگری مانند جزای نقدی، حبس و... قرار دهد؛ یا به قاضی اختیار دهد که به تناسب شرایط خاص مجرم یا وقوع جرم، یک یا چند مجازات را مورد حکم قرار دهد (قیاسی و دیگران، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی اسلام و حقوق موضوعه ۱۲۵؛ به نقل از پیوندی، حکمت های کیفر در نظام جزایی اسلام، ص ۶۹). آنچه در شرع مقدس اسلام به عنوان موضوع تعزیرات بیان گردیده، اخلال در واجبات و ارتکاب محرمات است. همچنین در تعزیرات تعیین نوع مجازات به عهده حاکم است که متناسب با جرم و روحیات مجرم و آثار باقیمانده از جرم در جامعه، به تعیین آن اقدام می نماید (سلیمی، تعزیرات در نظام قضایی اسلام، ص ۴۵)

در روایات متعددی که در منابع حدیثی ما آمده، به جای کلمه «تعزیر» عنوان «تأدیب» به کار رفته است. (حر عاملی، وسائل الشیعه، باب ۷، حدیث ۳)

نکته جالب دیگر اینکه در روایات حدود و تعزیرات اسلامی مجازات های دیگری دیده می شود که مصداق «ضرب» نیست و نشان می دهد که تعزیر معنای گسترده ای دارد (مکارم شیرازی، ۷ دلیل توسعه تعزیر و عدم انحصار آن در ضرب با تازیانه، ص ۳۹) که از جمله آنها، تأدیب، عقوبت، نهی

از منکر و... می‌باشد.

مناسبت حکم و موضوع در روایات نشان می‌دهد که هدف از تعزیر جلوگیری از تکرار گناه است. بنابراین هرگاه ما می‌بینیم فی المثل تأثیر حبس یا جریمه های دیگر به مراتب از ضرب بیشتر است، این مجازات‌ها اولویت خواهد داشت. (همان، ص ۴۲).

۵- کفارات

کفاره از واژه «کفر» به معنای پرده و پوشش گرفته شده و در اصطلاح عملی می‌باشد که به وسیله آن، زشتی گناه پوشانده می‌شود. (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۷۲) در اصطلاح شرع، آنچه بدان گناه پنهان شود و سبک گردد کفاره نامیده شده است که گناه را پنهان می‌کند و می‌پوشاند و نیز پوشنده گناهان و بدل جنایت، عقوبت گناه، پشیمانی از گناه و دیه گناه معنی شده است. (دهخدا، لغتنامه، ج ۱۱، ۱۶۲۳۱).

از تعبیر کفاره آشکار می‌شود که نظر شارع بر این است که این امور به صورت پنهان و پوشیده به عمل آید و به مراجع قضایی کشیده نشود (سلیمی، تعزیرات در نظام قضایی اسلام، ص ۲۶). کفارات افزون بر پوشش اثر گناه، دارای پیامد ایمان زایی و پند دهی نیز می‌باشد که شاید بتوان آن را با رویکرد اثر بازدارندگی یا به سازی مجازات در حقوق جزا همسو دانست. گر چه پرداخت کفاره توسط خود شخص و به طور داوطلبانه و بدون الزام و اجبار قضایی صورت می‌گیرد و در بسیاری از موارد جنبه عبادی نیز دارد، ولی در واقع مجازاتی است که توسط خود مرتکب به نحو مؤثر اعمال می‌گردد و جنبه خود کنترلی دارد. در این خصوص طرق مختلفی از قبیل توبه، استرداد حق الناس در مواردی که تزییع حقوق دیگران صورت گرفته، مقرر شده است. (سلیمی، تعزیرات در نظام قضایی اسلام، ص ۲۶)

۱-۲- نقش حبس در اسلام

زندان در اندیشه دینی عموماً یک مجازات اصلی محسوب نمی‌شود؛ بلکه «به عنوان یکی از مصادیق تعزیر، اقدامی تأمینی و امنیتی است و بیشتر جنبه اصلاح، بازدارندگی و پیشگیری از وقوع جرم را دارد. در مواردی نیز که حبس به عنوان مجازات به کار رفته است به عنوان یک ضرورت مطرح بوده و اساساً با منطق اسلام که سعی در پرورش روحی و روانی افراد جامعه دارد، همخوانی ندارد» (خلیلی، جایگاه زندان در اندیشه های اسلامی، ص ۶۹).

در فقه اسلامی مواردی از مجازات حبس دیده می‌شود که یازده مورد آن مورد قبول اکثر فقها می‌باشد که از این تعداد، تنها چهار مورد را می‌توان مجازات دانست و در مورد مجازات بودن یکی از آنها (ارتداد زن) نیز می‌توان تشکیک کرد. هفت مورد دیگر نیز بازداشت موقت و یا حبس برای مجبور کردن به احقاق حق می‌باشد. در زیر تنها چهار موردی را که مجازات محسوب می‌

شود را بررسی خواهیم کرد.

در فقه اسلامی کیفر بزه کاران ذیل حبس ابد است:

(الف) کسی که فردی را نگه داشته و دیگری او را کشته است (نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۲، ص ۴۶).

(ب) کسی که فرمان به قتل دیگری داده و مأمور، او را کشته است. مباشر در قتل، چنانچه عاقل و بالغ باشد، نیز قصاص می شود؛ حتی بنا بر نظر مشهور اگر بر قتل اکراه شده باشد و امر حبس ابد می شود. (موسوی خویی، مبانی تکمله المنهاج، ج ۱، ص ۳۰۴).

(ج) کسی که دو بار حد سرقت بر او جاری شده و برای بار سوم دزدی کرده است. (نجفی جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۱، ص ۵۵۳).

(د) زن مرتد در صورتی که از ارتداد خود توبه نکند. (همان، ۶۱۱).

البته در مورد مجازات بودن حبس ابد زن مرتدی که از ارتداد خود توبه نکند، حبس کردن ابزاری برای اجبار به توبه کردن است. نتیجه اینکه در فقه اسلام تنها سه مورد حبس به عنوان مجازات ذکر شده است. وجه تشابه در هر سه مورد، حبس ابد بودن آنهاست. به عبارتی در فقه امامیه حبس غیر موبد شناسایی نشده است و تنها در مورد تعزیرات که در دست حاکم است می توان احتمال به کارگیری حبس را شناسایی کرد. (ابراهیم وند، لزوم استفاده محدود از کیفر سالب آزادی بر مبنای فقه اسلامی، ص ۸۵).

۱-۳- توجه به شخصیت مجرم در اجرای مجازات

ارتکاب جرم و در نتیجه استحقاق مجازات مجوز از توهین به مجرم و تحقیر او نیست. این امر بر آمده از قاعده احترام است که پشتوانه آن را می توان در سه عامل جستجو کرد:

۱- اصل کرامت، عطیه ای الهی از جانب پروردگار به انسان بوده و تنها از جانب خداوند متعال قابل سلب خواهد بود.

۲- قیاس اولویت، که بر مبنای توصیه فقها بر احترام به کافر حربی بنا نهاده شده و از آن نتیجه گرفته می شود که اگر به حفظ آبروی کافر حربی توصیه شده، به طریق اولی رعایت حرمت و آبروی مجرم مسلمان لازم است.

۳- بی حرمتی به مجرم، اساساً با اصل عدالت و فلسفه مجازات در اسلام ناسازگار است.

این مسائل در کنار یکدیگر می توانند مدخلی برای لزوم رعایت قاعده احترام در حقوق جزایی و در نتیجه لزوم احترام به شخصیت مجرم در هنگام مجازات به شمار آیند (علیشاهی قلعه جوقی، بررسی مبانی نظری احترام به شخصیت انسانی و مجرم در طول مجازات، ص ۵۱).

پس می توان دریافت که اسلام در عین توجه به مصالح اجتماعی، به شخصیت مجرم توجه خاصی

مبذول می‌دارد. در مجازات‌های تعزیری که قاضی مقید به کیفر مشخصی نیست، بلکه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه آن را تخفیف دهد یا آن را به مجازاتی که به وضع متهم مناسب‌تر است تبدیل کند. وضع خاص متهم، شخصیت یا سابقه پسندیده او و قرائن دال بر ندامت وی است که می‌تواند موجب تخفیف مجازات شود. از آثار توجه به شخصیت و کرامت انسان می‌توان به ممنوعیت شکنجه و هتک حرمت و حیثیت متهمان اشاره کرد که با نگاهی به شیوه رفتار پیامبر خدا (ص) و سایر معصومین (ع) با متهمان مطلب روشن می‌گردد. (قربان نیا، فلسفه مجازات‌ها در فقه کیفری اسلام، ص ۴۱)

۱-۴- جنسیت در حقوق کیفری اسلام

در فقه جزایی اسلام تفاوت‌هایی در ابعاد جرم انگاری، مسئولیت کیفری و اجرای مجازات بین زن و مرد در نظر گرفته شده است و این تفاوت در برخی از تکالیف و حقوق و مقررات به مفهوم تبعیض یا برتری یکی از دو جنس بر دیگری نیست. بلکه مقتضای ایجاد هماهنگی بین قوانین و مقررات در ابعاد مختلف زندگی خانوادگی، اجتماعی و منطبق بر توانمندی جسمی و روانی و عاطفی زن و مرد و هدف خلقت است که به بررسی اجمالی این موارد در شرع اسلام می‌پردازیم. (۱) دیه زن: دیه نفس زن مسلمان آزاد برابر نصف دیه مرد مسلمان آزاد است و در این مورد میان فقهای شیعه اختلافی نیست و ادعای اجماع نیز کرده‌اند. در مورد دیه زن مسلمان نیز هرگاه مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل، نصف دیه مرد را به او بپردازد (نصیری اروج‌علیلو، بررسی تأثیر جنسیت در احکام جزا و قانون مجازات اسلام، ص ۸۹).

(۲) تفاوت دیه جراحت زن و مرد: مشهور فقهای امامیه به استناد اخبار صحیحی عقیده دارند به مجرد اینکه دیه عضو یا جراحت به ثلث دیه کامل برسد، دیه زن نصف می‌شود (همان، ۸۹). ولی شیخ طوسی (ره) در کتاب النهایه عقیده دارد که تساوی زن و مرد از لحاظ دیه و قصاص تا جایی است که دیه از ثلث تجاوز نکند. مادام که از ثلث تجاوز نشد، تساوی بین زن و مرد برقرار خواهد بود. حکم مذکور در صورتی است که قطع عضو با یک ضربه حاصل شود؛ مثل اینکه جانی با یک ضربه چهار انگشت زن را قطع کند، معادل دیه دو انگشت مرد را پرداخت می‌کند. اما اگر چهار انگشت را به دفعات قطع کند هر جنایت حکم خاص خود را دارد؛ مثلاً در یک جنایت سه انگشت و در جنایت دیگری انگشت چهارم را قطع کند که در این فرض حکم هر جنایت استصحاب خواهد شد. یعنی تداخل صورت نمی‌گیرد و جانی باید دیه چهار انگشت رو به طور کامل پرداخت کند (طوسی، النهایه، ج ۳، ص ۷۸).

(۳) زنا: زنا به روابط نامشروع زن و مرد گفته می‌شود (زراعت، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۴۵)

و حد آن پنج قسم است: قتل، رجم، جلد، تراشیدن موی سر و تبعید. که برخی مختص مردان است و برخی مشترک بین زنان و مردان.

قتل، از مجازات‌های مختص مردان می‌باشد. ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «حدّ زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان، محصن و غیر محصن نیست: ۱- زنا با محارم نسبی؛ ۲- زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است؛ ۳- زنا با غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است؛ ۴- زنا با زن به عنف و اکراه که موجب قتل اکراه کننده است. مجازات بیان شده در این مورد به مردان اختصاص دارد و شامل زن زانیه نمی‌شود (تاجیک، تأثیر جنسیت بر چگونگی اعمال کیفر، ص ۲۳۰).

در رجم و جلد فرقی میان زن و مرد وجود ندارد، اما مطابق ماده ۸۷ ق. م. ا مجازات تبعید و تراشیدن سر مخصوص مردان است. بنابراین زنان فقط محکوم به تازیانه می‌شوند. این حکم را مشهور فقها پذیرفته‌اند. اما گروهی از فقها دلایل آنها را کافی برای مستثنی کردن زن از حکم تبعید و تراشیدن سر ندانسته‌اند و در نتیجه زنان را همچون مردان تابع همین حکم می‌دانند. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ص ۲۶۲)

۴) لواط: نظام جزایی اسلامی، کیفرهای سخت و قاطعی را برای آن قانونگذاری کرده که همه آنها به اعدام منتهی می‌گردد. مجازات لواط به معنای حقیقی آن کشتن به وسیله شمشیر، سوزاندن در آتش، افکندن دیوار روی آنها و پرتاب کردن از بلندی است. به دلیل آن که این جرم اخلاقی از جرائم اختصاصی ویژه مردان می‌باشد، مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی نیز تنها به مردان اختصاص پیدا می‌کند (تاجیک، تأثیر جنسیت بر چگونگی اعمال کیفر، ص ۲۳۱).

۵) مساحقه: مساحقه عبارت است از اینکه انسان مؤنث اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد (ماده ۲۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲). حد مساحقه در صورتی که زن محصن نباشد، صد ضربه شلاق می‌باشد. از این رو، در مجازات این جرم برای زنان تخفیف قائل شده و برخلاف لواط، قتل در نظر نگرفته است (تاجیک، تأثیر جنسیت بر چگونگی اعمال کیفر، ص ۲۳۲).

۶) قوادی: طبق ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی، «قوادی عبارت است از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط».

در اعمال مجازات قوادی نیز بین زن و مرد تفاوت وجود دارد. (همان) اگر فردی که قوادی می‌کند مرد باشد، نظر مشهور فقها این است که سه چهارم حد زناکار [یعنی ۷۵ تازیانه] به او زده می‌شود و برخی از فقها گفته‌اند که اختلافی در این مورد وجود ندارد و حتی ادعای اجماع نیز بر این مطلب شده است و برخی از فقها معتقدند که [علاوه بر حد تازیانه] این فرد از شهر خودش به شهر دیگری تبعید می‌شود ولی این قول ضعیف است. و گفته شده که موهای سرش تراشیده

می شود تا همه مردم او را بشناسند [تشهیر]. بلکه این قول به مشهور فقها نسبت داده شده است ولی هیچگونه مستندی ندارد و اما در صورتیکه فردی که قoadی می کند زن باشد، نظر مشهور فقها این است که تازیانه می خورد. بلکه ادعا شده در این مورداختلافی بین فقها وجود ندارد ولی این خالی از اشکال نیست و زن، تبعید و تشهیر [به معنای بد نام کردن و رسوا کردن است که کاری کنند که مردم او را بشناسند و از او کناره گیری کنند و یا اینکه او را به عنوان شاهد در دعاوی نپذیرند و...] نمی شود و موهای سرش هم تراشیده نمی شود (موسوی خویی، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، ص ۹۰).

۷) تأثیر جنسیت بر اجرای مجازات شلاق: اگر مرد زناکار عریان دستگیر شود به همان صورت تازیانه می خورد و اگر در هنگام زنا جامه بر تن داشته است، گفته شده که عریان می شود و بعد حد تازیانه بر او زده می شود و در این نظر اشکال است و اظهر این است که تازیانه زدن او در حالی که لباس بر تن دارد جایز است. ولی زن زناکار در حالیکه لباس بر تن دارد تازیانه می خورد و مرد در حال ایستاده و زن در حال نشسته تازیانه می خورد و تازیانه نباید به صورت و عورت برخورد کند (همان، ص ۶۷).

همچنین در مورد کیفیت اجرای حد شرب خمر نیز بین زن و مرد تفاوت وجود دارد. این کیفیت متفاوت کلاً در همه مجازات های تازیانه ای وجود دارد و ظاهراً منحصر به شرب خمر نیست. اگرچه در میزان آن تفاوتی نمی باشد؛ بدین صورت که ضربات شلاق به پشت و شانه ها و سایر قسمتهای بدن شارب زده می شود و از زدن به صورت و سر و آلات تناسلی پرهیز می شود. مرد، ایستاده و بدون لباس و زن، نشسته در حالی که لباس هایش در بدنش بسته شده باشد شلاق می خورد (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ص ۴۸۰).

۸) تفاوت در سن مسئولیت کیفری: یکی از شرایط مسئولیت کیفری بلوغ می باشد. لذا در تمامی جرائم، بلوغ مرتکب در توجه مسئولیت به سوی او شرط می باشد؛ لیکن بین جنس مذکر و مؤنث به لحاظ زمان بلوغ تفاوت وجود دارد. بنابر نظریه مشهور فقیهان شیعه، سن بلوغ برای جنس مذکر اتمام ۱۵ سال قمری و برای جنس مؤنث پایان ۹ سال قمری است. مگر آنکه پیش از موعد مذکور، دیگر علائم بلوغ مانند احتلام در جنس مذکر و حیض در جنس مؤنث آشکار شود (نصیری عروجعلیلو، بررسی تأثیر جنسیت در احکام جزا و قانون مجازات اسلام، ۹۱). پس تا کسی مکلف نباشد، مسئولیت جنایی ندارد و چون مسئولیت ندارد، کیفری نخواهد داشت.

۹) قصاص زن باردار: مجازات جرایم عمدی بر ضد تمامیت جسمانی انسان مسلمان قصاص است، لیکن اجرای این مجازات نسبت به زن باردار امکان ندارد.

بر اساس آموزه های فقه جزایی اسلام، چنانچه فرد مورد قصاص، زن باردار باشد، باید اجرای حکم تا زمان وضع حمل به تأخیر بیافتد. هرچند که حمل پس از ارتکاب جرم اتفاق افتاده باشد و پس

از آن در صورت توقف حیات فرزند به مادر از جهت تغذیه و مانند آن و یا به خطر افتادن حیات فرزند با قصاص مادر، اجرای قصاص به تأخیر می افتد.

در این حکم فرقی بین مجازات قصاص نفس و مجازات قصاص عضو نیست.

۱۰) تأثیر جنسیت در شهادت: در فقه جزا و اسلام، شهادت مردان همیشه مؤثر است، اما در مورد شهادت زنان باید گفت که در برخی جرایم، شهادتشان اصلاً پذیرفته نیست و در برخی جرایم نیز شهادت آنها به ضمیمه شهادت مردان و با احتساب دو زن معادل شهادت یک مرد، مورد قبول است. برای نمونه، در جرم قتل عمد که مستوجب قصاص است، شهادت زنان معتبر نیست؛ چه به تنهایی باشند و چه پیوسته با مرد (فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۴۴۵).

اما در مورد زنا (در غیر حد رجم)، شهادت زنان به همراه مردان می تواند اثبات کننده جرم باشد. از این رو، با شهادت سه مرد و دو زن یا دو مرد و چهار زن نیز ثابت می شود (همان، ص ۳۸۵).

۱۱) تأثیر جنسیت بر کیفیت اجرای حد رجم: در کیفیت اجرای حد رجم نیز به لحاظ مصالحی، بین زن و مرد تفاوت وجود دارد، چنانچه زن و مردی به حد رجم محکوم شوند، در هنگام اعمال مجازات رجم، زن را تا سینه و مرد را تا کمر در گودال دفن می کنند (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۷۸).

۱۲) حد ارتداد: در کتب فقهی مرتد فطری (فردی که از اصل مسلمان بوده و بعد کافر شده) اگر مرد باشد، اعدام، ولی اگر زن باشد، مجازات نوعی حبس با اعمال شاقه است تا زمانی که توبه کند و اگر توبه نکرد، این حبس تا زمان مرگ وی ادامه خواهد یافت (شهید ثانی، روضه البهیة، ج ۲۸، ص ۳۴۲).

۲- سیاست حقوق کیفری ایران در رابطه با زنان بزهکار:

۲-۱- مجازات های سالب آزادی در ایران

الف) ماهیت کیفری حبس

انواع حبس در ایران به عنوان مجازات های سالب آزادی مطرح بوده و هست. مجازات سالب آزادی که تنها حبس را شامل می شود، آزادی محکوم علیه با نگاهداری وی در مکانی به نام زندان از او سلب می شود (ساوانی، حقوق جزای عمومی، ص ۳۰۵). در حالیکه مجازات های محدود کننده آزادی، آزادی تحرک و جابجایی بزهکار را محدود می کند، ولی محکوم علیه امکان ادامه زندگی عادی را از نظر خانوادگی و شغلی از دست نمی دهد (همان، ص ۳۱۸).

زندانی کردن فرد در نگاه اول و حتی به لحاظ ماهیت، نوعی کیفر است؛ زیرا این عمل نه تنها بر خلاف میل و ارده فرد است و یکی از ویژگی های کیفر و سزا محسوب می شود، بلکه زندانی

شدن، برای فرد تنگناهایی ایجاد و بر او تحمیل می کند که در حالت عادی روا و پسندیده نیست. این خصوصیت همه مجازات هاست که در اثر اجرای آنها نوعی محدودیت اعم از مالی، جانی یا روانی، گفتاری یا رفتاری برای حق مالکیت یا حیات یا آزادی و حیثیت یا کرامت انسان ایجاد می شود. بنابراین به درستی می توان گفت که حبس کیفر یا مجازات است، اما نمی توان گفت که زندان محل کیفر است (صفاری، کیفرشناسی، ص ۱۲۵).

ب) انواع حبس

از لحاظ هدف اجتماعی، مجازات ها به سه دسته تقسیم می شوند:

الف) مجازات هایی که هدف آن ها تنبیه و آگاه ساختن، همچنین ترساندن و ایجاد خوف و هراس است، از قبیل: غرامت، مجازات های سالب آزادی کوتاه مدت.

ب) مجازات هایی که هدف آنها اصلاح بزهکار است. یعنی مجازات هایی که آزادی بزهکار را به قصد اصلاح وی سلب کند. مانند: مجازات زندان طولانی مدت.

ج) مجازاتی که هدف آن طرد مجرم از جامعه است. مانند: اعدام و زندان دائم (ماهری، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، ص ۳۸۳).

اما در مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ نه بصورت روشن و دسته بندی شده، بلکه به صورت پراکنده سه نوع حبس وجود دارد:

۱- حبس حدی، ۲- حبس تعزیری، ۳- حبس تعلیقی

۱- **حبس حدی:** ماده ۲۹۸ ق. م. ا مصوب ۹۲، سرقت حدی را از مصادیق سرقت دانسته که مستوجب حد می باشد و با توجه به ماده ۲۷۸ ق. م. ا مصوب ۹۲، حد سرقت حدی در مرتبه سوم، حبس ابد است که این نوع حبس، حبس حدی نام گذاری شده است.

۲- **حبس تعزیری:** تعزیر مجازاتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و مقابل حدود است و به نظر حاکم (قاضی) واگذار شده است. از قبیل: حبس یا جزای نقدی و شلاق که در ماده ۱۹ ق. م. ا، مجازات های تعزیری به هشت درجه تقسیم شده اند که مجازات حبس آن از نوع تعزیری می باشد.

۳- **حبس تعلیقی:** حبس تعلیقی نوعی حبس و مجازات تعلیقی است که شخص به آن محکوم می شود اما به تعلیق در آمده و اجرا نمی شود. با توجه به ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، «در جرایم تعزیری درجه ۳ تا ۸ دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید...»

تعلیق اجرای مجازات تنها ویژه مجازات های تعزیری و بازدارنده است. و در مواردی که مجازات جرم ارتكابی، قانوناً حبس توأم با جزای نقدی باشد، حکم مزبور قابل تعلیق و حتی قابل تبدیل

به جزای نقدی است (گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، ص ۱۰۴).

۲-۲- مجازات‌های جایگزین حبس در ایران

آثار سوء کیفر زندان و هزینه‌های سرسام‌آور ساخت و نگهداری آن‌ها و تعقیب هدف‌های اصلاح و بازسازی مجرمان، سبب شده است تا مجریان دستگاه عدالت کیفری الگوی جدیدی از مجازات را طراحی کنند که از آن به مجازات‌های اجتماعی (جامعه محور) جایگزین حبس یاد می‌شود (سلیمانی و حجاریان، پرنده شخصیت متهم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ص ۲۳۸).

جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران به دو دسته جایگزین‌های سنتی و جدید تقسیم شده‌اند.

الف) جایگزین‌های سنتی: جایگزین‌های سنتی یعنی جایگزین‌هایی که از بدو تدوین قانون به آنها اشاره شده است. که عبارتند از: آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات، جزای نقدی و مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی.

ب) جایگزین‌های جدید: جایگزین‌های جدید حبس عبارتند از: دوره مراقبت، جریمه روزانه، خدمات عمومی (کار عام المنفعه)، حبس در منزل (حبس خانگی)، نظارت الکترونیکی (حبس الکترونیکی).

۱) دوره مراقبت: دوره مراقبت یکی از مهمترین تدبیرهای جانشین مجازات حبس می‌باشد و عبارت است از دادن آزادی به مجرم تحت سرپرستی و نظارت مأموران دوره مراقبت در مدت معینی برای آماده ساختن وی برای بازگشت به زندگی اجتماعی به جای کیفر حبس است. بنابراین دوره مراقبت ویژگی مستقل به حساب می‌آید (مرادی، تعدیل مجازات زندان، ص ۱۷۷). تدوین کنندگان مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان در فرق تعلیق اجرای مجازات با دوره مراقبت می‌گویند که: دوره مراقبت با تعلیق اجرای مجازات موضوع ماده ۲۵ ق.م.ا تفاوت بسیار دارد.

تعلیق حبس، جانشین زندان نیست، بلکه مجازاتی است که اجرای آن تعلیق شده است. به عبارت دیگر، در تعلیق مجازات، حبس همچنان مجازات اصلی است، ولی بنا به شرایطی معلق می‌شود. در حالی که دوره مراقبت به منزله ضمانت اجرای مستقل جانشین حبس می‌شود. (بخش توجیهی لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان)

۲) جریمه روزانه: در قسمت مربوط به جزای نقدی، حقوقدانان قائل به این هستند که مجازات نقدی دارای مزایا و معایبی می‌باشد. ایراداتی که از سوی مخالفان نسبت به این کیفر ارائه شده

است به طور مختصر عبارتند از: تعارض با اصل شخصی بودن و اصل تساوی بودن مجازاتها، فقدان اثر ارعایی نسبت به اغنیاء، فرستادن محکوم علیه به زندان در صورت عجز از پرداخت آن و غیره. لذا اندیشمندان و صاحب نظران برای کاستن ایرادات فوق، شیوه جدیدی از مجازات را برای عادلانه کردن اجرای جزای نقدی پیشنهاد کرده اند که آن، جزای نقدی روزانه (جریمه روزانه) است (آنسل، دفاع اجتماعی، ص ۱۰۳).

۳) خدمات عمومی (کار عام المنفعه): ماده ۱۹ لایحه مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان مقرر می‌دارد: «خدمات عمومی موضوع این قانون، خدماتی است که محکوم علیه بدون دریافت دستمزد به حکم دادگاه به نفع جامعه انجام می‌دهد. دادگاه با توجه به نوع جرم، سن، جنس، توانایی جسمانی، روانی و شغل و مهارت وی به انجام خدمات عمومی حکم می‌دهد». خدمات عمومی با توجه به صفت عمومی آن به نفع اجتماع است، از این رو، مؤسسه‌ها و نهادهایی که محکوم علیه باید در آنها به کار گمارده شوند مشمول مؤسسه‌هایی هستند که این خصیصه را دارند.

بنابراین نمی‌توان محکوم علیه را به انجام کار برای شخص حقیقی یا در بخش خصوصی محکوم کرد (بخش توجیهی مواد لایحه مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان)

۴) حبس در منزل: حبس در منزل به این صورت است که محکوم، محکومیتش را در خانه و اقامتگاه خویش سپری می‌کند. به موجب این تصمیم، دادگاه محکوم علیه را ملزم می‌کند که از منزل خارج نشود و در مواقع ضروری نیز به شرطی می‌تواند منزل را ترک کند که پیش از آن، از قاضی ناظر پرونده اجازه گرفته باشد. از مهمترین امتیازات این اقدام، به مواردی مانند جلوگیری از ورود افراد به زندان و تأثیر پذیری از آن، کم هزینه بودن و صرفه جویی اقتصادی، حفظ انسجام خانوادگی، تأمین منافع جامعه به وسیله دور نگه داشتن فرد از جامعه و... می‌توان اشاره کرد. (مرادی، تعدیل مجازات زندان، ص ۱۱۹)

۵) نظارت الکترونیکی (حبس الکترونیکی) نظارت الکترونیکی به نوعی از کنترل متهمان و مجرمان گفته می‌شود که در آن شخص مجرم در یک محدوده مشخص و محدود در ارتباط با خانواده نگهداری و با استفاده از تجهیزات الکترونیکی نظیر دستبند هشداردهنده، رفتارهای او کنترل می‌شود. این روش مجازات حدود ۱۵-۱۰ سال است که در اغلب کشورها اجرا می‌شود (همان، ص ۱۲۰).

یکی از دلایلی که واژه اجتماعی را از عنوان برداشته اند و فقط واژه «مجازات» را به کار برده‌اند، این امر می‌باشد که برخی از مصادیق جایگزین‌های حبس مثل جزای نقدی، صبغه‌ی اجتماعی ندارند و فقط جنبه اقتصادی و مالی دارند.

تغییر مثبتی که در عنوان لایحه داده شده است، این است که واژه «حبس» را به جای «زندان»

به کار برده اند که تغییری بسیار به جا بوده است، چون زندان فقط یک مکان است، در حالی که حبس، حکم است و بدیل های حبس، جایگزین حکم می شوند نه مکان (زیبایی، جلوه‌ای از اقدامات و کیف‌های جایگزین نوین حبس در قانون مجازات اسلامی، ص ۲۳)

اما مطلب قابل توجه این است که با وجود جایگاه خاص زنان در اسلام و ایران، قانونگذار هیچ جایگزین حبسی را مخصوص زنان بزهکار، آن هم زنان بزهکار سرپرست خانوار در نظر نگرفته است و ظاهر این است که تصمیم‌گیری در خصوص انتخاب هر یک از جایگزین‌ها را به قاضی رسیدگی‌کننده پرونده سپرده است.

۳- مجازات زنان بزهکار سرپرست خانوار و تأکید بر ضرورت حبس زدایی در اسلام،

ایران

۳-۱- ضرورت حبس زدایی

قوانین کیفری ایران حبس محور هستند. به نحوی که برای ۴۰۰ جرم از ۱۴۰۰ عنوان مجرمانه در حقوق ایران، مجازات حبس پیش‌بینی شده است. و نتیجه چنین سیاستی نه‌تنها از بین رفتن قبح بزه و زندان است، بلکه افزایش روز افزون تعداد زندانیان خواهد بود. بر این اساس اصلاح و پالایش قوانین مهم‌ترین راهکاری است که برای حل معضلات و نارسایی‌های زندان می‌تواند و باید مورد توجه قرار گیرد (گودرزی، زندان زدایی؛ راهکارها و شیوه‌های بااجتماعی کردن، ص ۲۴). با عنایت به اینکه در دین مبین اسلام مجازات زندان در موارد بسیار محدود می‌باشد و مختص افراد شرور و کسانی است که آبرو و ناموس جامعه را تهدید و به آن تجاوز نمایند و امنیت و اقتدار نظام اسلامی را به خطر بیندازند، لذا این مجازات به هیچ وجه برای کسانی که تخلف‌های کوچک انجام داده‌اند یا مرتکب جرایم غیرعمد شده‌اند مناسب نیست؛ زیرا زندان علاوه بر اینکه بار سنگین اقتصادی به دوش جامعه تحمیل می‌کند، اثرات سوء و منفی بسیاری بر خانواده‌های زندانیان و بطور کلی اجتماع بر جای می‌گذارد. کاهش مجازات حبس می‌تواند فوایدی همچون کاهش طلاق در سطح جامعه، توسعه روابط خانوادگی و کاهش انحرافات اخلاقی، تقویت هنجارهای اجتماعی و تضعیف فرهنگ بزهکاری، جلوگیری از شیوع بیماری‌هایی همچون ایدز، هپاتیت، سل و غیره که در بین زندانیان رایج است، جلوگیری از کسب مهارت‌های مختلف افراد سابقه‌دار، جلوگیری از فقر و بی‌خانمانی و اعتیاد داشته‌باشد (فتاحی زفرقندی، بررسی مجازات‌های جایگزین حبس در اسناد بین‌المللی و ایران و کشورهای مختلف جهان، ص ۶۰).

هر چند در نگاه اول اینطور به نظر می‌آید که فرستادن مجرمان به زندان در راستای کنترل جرم و جنایت است، اما شاهد این هستیم که فرستادن افراد با جرایم مختلف به زندان صرفاً با رویکرد تنبیه و مجازات، تنها موجب ایجاد دور باطلی می‌شود که مجرمان مرتب آزاد شده و دوباره به

زندان می روند؛ بدین ترتیب، فرهنگی در میان طبقات مختلف اجتماعی در حال شکل گیری است که زندان رفتن را راهی برای پخته شدن می داند (مشیر استخاره، جامعه‌شناسی زندان زنان، ص ۳۱۳). که همین امور در کنار آسیب‌های زندان، ضرورت حبس زدایی را توجیه می نماید.

۳-۲- مجازات زنان بزهکار سرپرست خانوار

پدیده زندان ملهم از اصل شخصی بودن جرم و مجازات است. پس مجازات باید به گونه‌ای تعریف و طراحی گردد که اثرات و تبعات آن فقط بزهکار را دربرگیرد. عدم وجود کنترل جدی روی فرزندان زندانیان، فقر معنوی و مادی نزد همسران زندانی، اثرات مخرب روحی والدین زندانیان، مسائل بفرنج خردسالانی که همراه مادران در زندان به سر می برند، فقط بخشی از تخطی زندان از اصل شخصی بودن جرم و مجازات است (هاشمی شاهرودی، زندان زدایی، ص ۱۰۳). بدیهی است زنان بزهکار در پرتو قوانین و مقررات کلی می‌توانند از تدابیر پیش بینی شده جهت استفاده از جایگزین های کیفر حبس بهره گیرند. با این حال همچنان که تفاوت گذاری های ناشی از موقعیت‌های زیست‌شناسانه (بارداری، زایمان) و اجتماعی (مادری) زنان در قلمرو حقوق کیفری، طبیعی و بدیهی می نماید در ضرورت توجه خاص به این موقعیت ها در مرحله اجرای حکم نیز نباید تردید نمود.

در عرصه کیفر حبس تنها تبعیض مثبت برای زنان را باید در بطن ماده ۶۹ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور جستجو کرد که مقرر داشته است: « زندانیان حسب سابقه، سن، جنسیت، نوع جرم، تابعیت، مدت مجازات، وضع جسمانی و روانی، چگونگی شخصیت و استعداد به یکی از قسمت های زندان یا مؤسسات تأمینی و تربیتی معرفی می گردند.» در تبصره آن هم پیش بینی شده است که « زندانیان زن می‌توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند... » (طغرانگار، زنان زندانی و جایگزین های مجازات حبس، ص ۱۷). اما اصل بیستم قانون اساسی مقرر می‌دارد: « همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» و نیز اصل بیست و یکم اشعار می‌دارد: « دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید» (همان، ص ۱۷).

اما در حقوق کیفری ایران، مقنن تدبیر خاصی برای مجازات زنان بزهکار سرپرست خانوار در نظر نگرفته است و جای چنین قانونی خالی است. پس بدون هیچ تردیدی باید ضمانت اجراهای جایگزین حبس را در خصوص زنان با اهتمام خاصی مورد توجه قرار داد. آن هم به جهت خصوصیات خاص زنان و نقش آنها در خانواده که از منظر تهیه‌کنندگان لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان دور مانده است.

۳-۳- مجازات جایگزین مناسب با زنان بزهکار

بنابر اصل برابری افراد در قبال قانون، حقوق کیفری ذاتاً غیر شخصی است، یعنی برای همه تابعان یکسان است. بدین جهت قانونگذار هنگام تعریف جرائم و تعیین مجازات‌ها از معیار دوگانه استفاده نمی‌کند (نجفی ابرندآبادی، زن در جرم شناسی و حقوق کیفری، ص ۱۱۱؛ خانی و دیگران، عدم تحمل کیفر؛ مبانی و معیارهای حقوقی - پزشکی، ص ۱۲۳). اما در موارد استثنایی به عنوان یک امتیاز و حمایت برای برخی تابعان از این اصل عدول می‌شود. یکی از این موارد استثناء بر اساس جنسیت و حمایت از جنس زن است. البته این تفاوت در مجازات به جهت تفاوت در ساختار طبیعی خلقت زن و مرد و تفاوت بین وظایف و تکالیف آنها می‌باشد (مهرپور، مجموعه مقالات زن و حقوق کیفری، ص ۵۷).

حقوق کیفری غیرشخصی ممکن است در طول فرآیند دادرسی، در پرتو ملاحظات فرهنگی - حقوقی از سوی مأموران نظام عدالت کیفری، موردی و فردی شود. در اینجاست که سیاست‌گذاران جنایی بنا به ملاحظات زیستی، فیزیولوژیک ویژه زنان و قدرت تحمل پایین آنها در برابر کیفر شلاق یا حبس، سیاست ویژه کیفری یا تقنینی ارفاق آمیز نسبت به بزهکاران زن وضع می‌کنند (خانی و دیگران، عدم تحمل کیفر؛ مبانی و معیارهای حقوقی - پزشکی، ص ۱۲۴). همچنین بارداری، زایمان و شیردهی از مسائل خاص زنان محسوب شده و گاه بزهکاران زن با ادعای مسائل فوق خواستار عدم تحمل کیفر هستند که به دلیل گذرا و موقتی بودن این موضوعات، عدم تحمل کیفر نیز موقتی بوده و در واقع تنها اجرای کیفر به تأخیر خواهد افتاد (ویلیامز، بارداری و زایمان، ج ۱، ص ۶۵). همچنین جدا سازی زنان زندانی از کودکانشان یا نگهداری آنها در محیط پر خطر زندان، یکی از مشکلات جدی عدالت کیفری است؛ زندان‌ها مکان امنی برای زنان باردار و کودکان خردسال شیرخوار نیست. از طرفی جداسازی آنها از مادر مصلحت نیست. با همین داده‌های اندک می‌توان تا حدودی به این واقعیت تلخ رسید که زنان در زندان مشکلات بیشتری را تحمل می‌کنند (طغرانگار، زنان زندانی و جایگزین‌های مجازات حبس، ص ۱۹؛ معظمی و دیگران، تأثیر زندان بر تکرار جرم زنان، ص ۵۰).

بنابراین نتیجه می‌گیریم استفاده از شیوه جایگزین مجازات‌های حبس، سبب کاهش کارکرد و تبعات منفی زندان و سودمندی خانواده زنان بزهکار و جامعه می‌گردد (پاکیده و دیگران، تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر زندان بر زندانی و خانواده او، ص ۴۴). قانونگذار جمهوری اسلامی ایران مجازات جایگزین خاصی را برای زنان بزهکار سرپرست خانوار پیش بینی نکرده و تنها تمهید به تأخیر انداختن کیفر به جهت بارداری، زایمان و شیردهی را در نظر گرفته که این صفات خاص مادران بزهکار می‌باشد و موقتی بوده و جایگزین حبس نیز محسوب نمی‌شود. اما از میان مجازات‌های جایگزین به نظر می‌رسد، بازداشت خانگی (حبس در منزل) مناسب تر به

حال متهمین زن باشد. حبس خانگی ضمانت اجرای بینابینی است که نظارت و مجازاتی بیش از تعلیق مراقبتی و مجازاتی کمتر از زندان پیش بینی می کند و انتظار می رود که اهدافی چون ناتوان کردن شخص برای ارتکاب جرم جدید، مجازات و بازپروری (با اجازه دادن به مجرمان برای زیستن در جامعه به جای زندان) را برآورده کند. برای نظارت بر افرادی که در مورد آنها ضمانت اجرای حبس در منزل اعمال می شود، از فناوری نظارت الکترونیکی استفاده می شود. برنامه های حبس خانگی بدین علت طرحریزی شده اند که نسبت به برنامه ی تعلیق مراقبتی فشرده یا هر نوع جایگزین نظارت اجتماعی دیگر، تنبیهی تر باشند و به عنوان آخرین شانس پیش از زندان رفتن تلقی شوند (مسکینی، بسط و توسعه تفکر حبس زدایی، ص ۴۸). اما با توجه به اینکه محکومان به جرایم سبک مشمول این مجازات می شوند، انتظار می رود با توجه به اصل فردی کردن مجازات ها و با توجه به رعایت مجازات مناسب تر به حال متهم در مورد زنان بزهکار چنین مجازاتی در نظر گرفته شود تا جامعه ای با درجه سلامت بالاتری داشته باشیم.

۳-۴- سیاست کیفری فرانسه

ماده ۲۴-۱۳۲ کیفری فرانسه، «در محدوده های تعیین شده به موجب قانون دادگاه ها کیفرها را مورد حکم قرار داده و رژیم آنها را با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر وقوع جرم و شخصیت مرتکب آن تعیین می کند، هنگامی که دادگاه یک کیفر جزای نقدی را مورد حکم قرار می دهد، مبلغ آن را با توجه به حساب و نیز منابع مالی و مسئولیت های مرتکب جرم تعیین می کند. ماهیت، میزان و رژیم کیفرهای تحمیلی با توجه به حمایت مؤثر از جامعه، مجازات محکوم و منافع بزه دیده، همراه با ضرورت سازمندی و بازسازی محکوم و پیشگیری از ارتکاب جرایم جدید، تعیین می شود. در امور تأدیبی فراسوی محکومیت ها در موارد تکرار جرم که به طور قانونی در اجرای مواد ۱-۱۹-۱۳۲ اعمال می شود، حبس جنحه ای بدون تعلیق نمی تواند جز به عنوان آخرین حربه مورد حکم قرار گیرد، مشروط بر آنکه شدت بزه و شخصیت مرتکب این مهم را ضروری بنمایاند و هرگونه مجازات دیگری ناکافی باشد...» که نشان دهنده توجه ویژه قانونگذار به شخصی سازی کیفرها است و همچنین رسیدن به هدف اصلی اصلاح و بازپروری مجرم و حبران حقوق بزه دیده می باشد (گودرزی بروجردی و مقدادی، زندان زدایی، ص ۹۸).

در نظام کیفری فرانسه پرونده شخصیت و به طور کلی توجه به شخصیت بزهکار از جایگاه رفیعی برخوردار است.

در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، تحقیق درباره شخصیت متهم و وضعیت مادی، خانوادگی و اجتماعی وی پیش بینی شده است که این تحقیقات در مرحله پیش از دادرسی، در امور جنحه ای اختیاری و در امور جنایی الزامی است. مطابق با برخی مواد قانون مجازات فرانسه

و آیین دادرسی کیفری این کشور، در راستای احراز شرایط استفاده از نهادهای تخفیف مجازات، تعلیق اجرای مجازات و همچنین اعطای آزادی مشروط و عفو خصوصی، تشکیل پرونده شخصیت ضروری است. در عبارتی کوتاه می توان گفت که پرونده شخصیت در نظام کیفری فرانسه در مرحله تحقیقات مقدماتی موضوعیت داشته و در مرحله دادرسی جنبه طریقت دارد (قلی زاده و میرزا جانی، فردی کردن واکنش کیفری مرحله پیش دادرسی (تعقیب) در حقوق کیفری ایران با نگاهی به موازین قانونی مرتبط در حقوق فرانسه، ص ۱۱۳).

در حقوق کیفری فرانسه به استناد ماده ۱-۲۶-۱۳۲ قانون مجازات و ماده ۷-۷۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری، سامانه نظارت الکترونیکی در صورتی اجرا می گردد که «محکومیت به یک یا چند مجازات سالب آزادی که مدت کلی آن از یک سال تجاوز نمی کند» صادر شده باشد یا هنگامی که برای محکوم، یک یا چند مجازات سالب آزادی که مدت کلی آن از یک سال تجاوز نمی کند، برای تحمل باقی مانده باشد یا هنگامی که محکوم برای انتفاع از آزادی مشروط پذیرفته می شود، به صورت آزمایشی، حداکثر یکسال تابع برنامه نظارت الکترونیکی قرار گیرد».

هنگامی که شرایط اعمال نظارت الکترونیکی فراهم باشد، «قاضی اجرا آن را با قرار غیرقابل اعتراضی برای مدت حداکثر چهار ماه، از تاریخی که محکومیت لازم الاجرا می شود، تعیین می کند. قاضی اجرای مجازات ها در موارد زیر باید از اعمال نظارت الکترونیکی خودداری کند؛ اگر شرایط اعمال مجازات از رهگذر نظارت الکترونیکی فراهم نباشد؛ اگر محکوم از ممنوعیت ها یا الزاماتی که به او تحمیل می شود، راضی نباشد؛ اگر دلیلی بر سوءرفتار وی وجود داشته باشد؛ اگر تغییر و اصلاح ضروری در شرایط اجرائی را رد کند؛ و اگر این موضوع را درخواست نماید؛ اگر شخصیت محکوم یا شیوه های موجود، این موضوع را توجیه کند، قاضی اجرای مجازات می تواند بر همان اساس، تدبیر نیمه آزادی با استقرار خارج از زندان را جایگزین نظارت الکترونیکی نماید» (حسین زاده و دیگران، نظارت الکترونیکی بر مجرمین حرفه ای و سابقه دار مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه، ص ۱۱۶).

همچنین بر اساس ماده ۱-۵-۱۳۱ (قانون ۹ مارس ۲۰۰۴) قانون جزای فرانسه، «هنگامی که جنحه ای مستوجب کیفر حبس جنحه ای باشد، دادگاه می تواند به جای حبس دستور دهد که محکوم ملزم به گذراندن یک دوره آموزش شهروندی باشد، شیوه ها و محتوای آن به موجب مصوبه شورای دولتی تعیین می شود و دارای موضوعاتی در مورد یادگیری ارزشهای جمهوری خواهانه تسامح و رواداری و احترام به کرامت انسانی است که بر اساس آن جامعه بنیانگذاری شده است...»

این ماده قانونی با این که جزو موارد جایگزین های حبس محسوب نمی شود اما خود مؤید شیوه جایگزینی مؤلفه های اصلاحی و حبس زدایی در حقوق فرانسه است که به بازپروری مجرمین

کمک شایانی می‌کند.

در سیاست کیفری فرانسه، تعلیق ساده یا مراقبتی، تعویق صدور حکم مجازات ساده یا مراقبتی، کار عام‌المنفعه، جزای نقدی روزانه، کیفرهای سالب یا محدود کننده آزادی (مندرج در ماده ۶-۱۳۱ قانون جزای فرانسه) و نظارت الکترونیکی جایگزین‌هایی هستند که در مرحله رسیدگی کیفری می‌توانند توسط مقام قضایی اعمال گردند. تأمل در جایگزین‌های مزبور نشان می‌دهد که همه آنها ترتیباتی هستند که در اختیار قاضی قرار گرفته‌اند تا در صورت احراز مجرمیت متهم و ضرورت اعمال مجازات مقرر در قانون در حق مجرم بتواند با توسل به آنها از در افتادن مجرم در چرخ پراسیب حبس خودداری نمایند.

۳-۵- مجازات‌های جایگزین حبس برای زنان بزهکار در حقوق فرانسه

نظام عدالت کیفری فرانسه، دارای مقررات پیشرفته‌ای در زمینه جایگزین‌های مجازات زندان و از جمله کار عام‌المنفعه است. (فتاحی زفرقندی، ررسی مجازات‌های جایگزین حبس در اسناد بین المللی و ایران و کشورهای مختلف جهان، ص ۶۴).

ماده ۱-۲۲۵ قانون جزای فرانسه، ایجاد تمایز میان اشخاص به دلیل جنسیت را تبعیض و قابل مجازات دانسته است. این دیدگاه بر تمامی فرآیند دادرسی سایه افکنده است. به همین علت در کتاب پنجم قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه تحت عنوان «آیین دادرسی اجرایی» تفاوت آشکاری در اجرای مجازات میان زنان و مردان دیده نمی‌شود. با این حال در بین مقررات عمومی قانون می‌توان تفاوت‌های چندی را استنباط نمود. بر اساس ماده ۷۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری، «جز در صورت وجود شرایط و اوضاع و احوال لاینحل» مجازات‌ها باید به روش مؤثر و در بهترین مدت به اجرا درآید. اجرای مجازات‌ها باید با رعایت منافع جامعه و حقوق بزه دیدگان و با توجه به تحولات شخصیت و وضعیت محکوم صورت پذیرد. اجرای مجازات می‌تواند به علل مهم پزشکی، خانوادگی، شغلی یا اجتماعی به حالت تعلیق درآید. شرایط طبیعی جسمانی و وضعیت فیزیولوژیکی زنان در حقوق فرانسه می‌تواند تحت عنوان علل پزشکی، اجرای مجازات را با تعلیق مواجه سازد.

بر اساس ماده ۲۳-۱۳۱ قانون مجازات فرانسه، «کار عام‌المنفعه تابع احکام قانونی و آیین نامه ای مربوط به کار شبانه، بهداشت، امنیت و نیز کار زنان و کارگران جوان است. کار عام‌المنفعه می‌تواند همراه با اجرای فعالیت شغلی باشد» (گودرزی بروجردی و مقدادی، زندان زدایی، ص ۶۶).

کیفر خدمات عام‌المنفعه تابع آیین نامه مربوط به کار شبانه، بهداشت، امنیت و کار بانوان است.

توجه به ویژگی‌های جسمانی و خصوصیات روانی آنان باعث شده است تا در اجرای این مجازات نسبت به بانوان، ارفاق و تساهل بیشتری در نظر گرفته شود. به هر حال در میان طیف گسترده مجازات‌های مذکور در قانون مجازات فرانسه، اعم از حبس، جزای نقدی، خدمات عمومی و مجازات‌های سالب یا محدودکننده حقوق، تفاوت چندانی بین زنان و مردان در اجرای مجازات‌ها دیده نمی‌شود (موذن زادگان، زن در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، ص ۵۱).

نتیجه‌گیری

در خصوص مجازات زنان بزهکاری که سرپرست خانواده خود می‌باشند، حبس، تخطی از اصل شخصی بودن مجازات‌ها محسوب می‌شود. با بررسی‌هایی که در حقوق کیفری ایران انجام دادیم، دریافتیم که مقنن، تدبیر خاصی برای مجازات این قشر از بزهکاران در نظر نگرفته است و جای آن را در قانون خالی می‌نماید. همچنین مجازات جایگزینی که خاص زنان بزهکار سرپرست باشد را هم در نظر نگرفته و تنها تمهید به تأخیر انداختن کیفر به جهت بارداری، زایمان و شیردهی را مقرر کرده که نه تنها به علت زمان کوتاه بارداری، زایمان و شیردهی موقتی بوده، بلکه زنان سرپرست خانوار را شامل نمی‌شود و جایگزین حبس نیز محسوب نمی‌گردد. اما به نظر می‌رسد بازداشت خانگی (حبس در منزل) با تأکید قانونگذار بر کار خانگی، و یا انجام کارهای عام‌المنفعه با وجود فرصت تأمین معاش در اوقات دیگر از نظر ویژگی‌های اجتماعی و جنسیتی و نقش زنان در اداره امور خانه و خانواده، مناسب‌تر به حال متهمین زن سرپرست خانوار باشد. اما با توجه به اینکه این جایگزین مشمول محکومان جرایم سبک می‌شود، امید است، مقنن در مجازات این قشر از بزهکاران توجه بیشتری را مبذول بدارد؛ زیرا نارسایی‌های زندان و اثرات سوء بیشمار آن بر فرد زندانی، خانواده وی، اقتصاد، فرهنگ، سلامت، دولت و... همچنان پا برجا خواهد ماند که همین امر حبس‌زدایی را ضرورتی غیرقابل انکار می‌نماید که با عنایت به دین مبین اسلام و الگو قرار دادن سیاست کیفری آن می‌بایست مجازات زندان محدود به موارد خاص و کسانی گردد که آبرو و ناموس جامعه را تهدید می‌کنند یا اقتدار نظام اسلامی را به خطر می‌اندازند. لذا می‌بایست این مجازات از متخلفان جرائم کوچک یا کم‌اهمیت یا غیر عمد برداشته شود.

فهرست منابع:

- ۱) آنسل، مارک، (۱۳۷۲-۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، مترجم: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲) ابراهیم پور لیستانی، حسین، (۱۳۸۵)، اهداف مجازات در دو رویکرد حقوق جزا و آموزه های دینی، معرفت، شماره ۱۰۶.
- ۳) ابراهیم وند، عبدالعلی، (۱۳۹۳)، لزوم استفاده محدود از کیفر سالب آزادی بر مبنای فقه اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۶۸.
- ۴) پاکیده، فضل اله، و رنجبر، علی اصغر، و مهدوی، رمضان، (۱۳۸۶)، تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر زندان بر زندانی و خانواده او، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۷۱.
- ۵) پیوندی، غلامرضا، (۱۳۹۵)، حکمت های کیفر در نظام جزایی اسلام، مجله حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۸.
- ۶) تاجیک، عاطفه، (۱۳۸۶)، تأثیر جنسیت بر چگونگی اعمال کیفر، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۱۳.
- ۷) حسین زاده، محمد، و علی طاهری، محمد، و علی اکبری، امیر، (۱۳۹۶)، نظارت الکترونیکی بر مجرمین حرفه ای و سابقه‌دار مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه، سال دهم، شماره ۴۰.
- ۸) خانی، محمد، و لکی، زینب، و نصرآبادی، محمدعلی، (۱۳۹۶)، عدم تحمل کیفر؛ مبانی و معیارهای حقوقی- پزشکی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال هفتم، شماره بیست و ششم.
- ۹) خلیلی، عذرا، (۱۳۸۵)، جایگاه زندان در اندیشه های اسلامی، مجله فقه و حقوق خانواده، شماره ۴۳.
- ۱۰) درآمدی بر قانون مجازات فرانسه، مترجم: محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، (۱۳۹۵)، تهران، انتشارات خرسندی.
- ۱۱) دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۴)، لغت نامه دهخدا، جلد ۱۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲) زراعت، عباس، (۱۳۸۶)، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، تهران، ققنوس، زمستان، چاپ سوم.
- ۱۳) زیبایی، رضا، (۱۳۹۳)، جلوه‌ای از اقدامات و کیفرهای جایگزین نوین حبس در قانون مجازات اسلامی، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۱۴۷.
- ۱۴) ساوالانی، اسماعیل، (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، تهران، مؤسسه مشاهیر مهر دادآفرین، چاپ ششم.
- ۱۵) سلیمانی، رضا، و حجاریان، محمد حسین، (۱۳۹۶)، پرنده شخصیت متهم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مطالعات حقوق، سال اول، شماره ۱۱.
- ۱۶) سلیمی، محمد، (۱۳۹۶)، تعزیرات در نظام قضایی اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه علوم قضایی خدمات اداری.
- ۱۷) شهیدثانی (جبعی عاملی)، زین الدین بن علی، (۱۳۷۰)، روضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیة، جلد ۲۸، ترجمه و تبیین: محمد جواد ذهنی تهرانی، انتشارات وجدانی.
- ۱۸) صفاری، علی، (۱۳۹۰)، کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ هفدهم.
- ۱۹) طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۴، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- ۲۰) طفرانگار، حسن، (۱۳۸۷)، زنان زندانی و جایگزین های مجازات حبس؛ ضرورتی مغفول، شماره ۷۲.
- ۲۱) همو، (۱۳۸۷)، جایگزین های کیفر حبس در قلمرو نظام عدالت کیفری زنان، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۷۵.
- ۲۲) طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۷ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتوی، ترجمه: محمدتقی دانش پژوه، جلد ۳، قم، نشر اسلامی، تابع جامعه مدرسین.
- ۲۳) علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل، و دهقان علیشاهی، مهدی، (۱۳۹۴)، بررسی مبانی نظری احترام به شخصیت انسانی و مجرمین در طول مجازات، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۳۳.
- ۲۴) فتاحی زفرقندی، سجاد، (۱۳۹۵)، بررسی مجازاتهای جایگزین حبس در اسناد بین المللی و ایران و کشورهای مختلف جهان، مطالعات حقوق، شماره ۱.

- ۲۵) فیض، علیرضا، (۱۳۷۹)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم.
- ۲۶) قربان نیا، ناصر، (۱۳۸۰)، فلسفه مجازات ها در فقه کیفری اسلام، رواق اندیشه ۳، شماره ۳.
- ۲۷) قلی زاده، ابراهیم رضا، و میرزاجانی، حمیدرضا، (۱۳۹۶)، فردی کردن واکنش کیفری مرحله پیش دادرسی (تعقیب) در حقوق کیفری ایران با نگاهی به موازین قانونی مرتبط در حقوق فرانسه، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره سوم، شماره ۴. ۱.
- ۲۸) قیاسی، جلال الدین، و دهقان، حمید، و خسروشاهی، قدرت اله، (۱۳۸۹)، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی اسلام و حقوق موضوعه، جلد ۱، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
- ۲۹) گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۳)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم.
- ۳۰) گودرزی، محمدرضا، و جوان فر، عباس، (۱۳۸۲)، زندان زدایی؛ راهکارها و شیوه های بااجتماعی کردن، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۱۶.
- ۳۱) ماهری، محمد، (۱۳۴۷-۱۳۴۸)، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران، انتشارات رهام.
- ۳۲) محمدی، ابوالحسن، (۱۳۶۴)، حقوق کیفری اسلام (دیات)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳۳) مرادی، قاسم، (۱۳۹۶)، تعدیل مجازات زندان، فصلنامه علمی تخصصی اندیشمندان حقوق، سال پنجم، شماره سیزدهم.
- ۳۴) مسکینی، زهره، (۱۳۸۵)، بسط و توسعه تفکر حبس زدایی، مجله اصلاح و تربیت، سال چهارم، شماره ۲۹.
- ۳۵) مشیر استخاره، زهرا سادات، (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی زندان زنان، تهران، نشر جامعه شناسان.
- ۳۶) معظمی، شهلا، و شیروی، مهسا، و صالحی، معصومه، (۱۳۹۴)، تأثیر زندان بر تکرار جرم زنان، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۲۳.
- ۳۷) مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۳)، ۷ دلیل توسعه تعزیر و عدم انحصار آن در ضرب با تازیانه، نور علم، شماره ۸۰.
- ۳۸) مهرپور، حسین، (۱۳۸۴)، مجموعه مقالات زن و حقوق کیفری، قم، سلسبیل.
- ۳۹) مؤذن زادگان، حسنعلی، و تدین، عباس، (۱۳۹۳)، زن در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم.
- ۴۰) موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۴۰۴ق)، تحریر الوسیله، قم، دارالعلم، چاپ دوم.
- ۴۱) موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۹۴)، مبانی تکملة المنهاج، ترجمه و تبیین: علیرضا سعید؛ با دیباچه ای از عباسعلی عمید زنجانی، جلد ۲، تهران، نشر خرسندی، چاپ ششم.
- ۴۲) همو، (۱۳۹۱)، مبانی تکملة المنهاج، جلد ۱، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ دوم.
- ۴۳) میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۹)، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم.
- ۴۴) میرخلیلی، سید محمود، (۱۳۸۹)، نمای سیاست جنایی اسلام، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۷.
- ۴۵) نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۴)، زن در جرم شناسی و حقوق کیفری، نخستین همایش بین المللی زن و حقوق کیفری گذشته، حال و آینده، قم، سلسبیل.
- ۴۶) نجفی قوچانی، سیدمحمدحسن، (۱۳۸۵)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۴۱، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۴۷) نصیری اروجعلیلو، شهرروز، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر جنسیت در احکام جزا و قانون مجازات اسلام، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال دوم، شماره ۶.
- ۴۸) هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، (۱۳۹۵)، زندان زدایی، قم، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول، ص ۱۰۲.
- ۴۹) ویلیامز، جان، (۱۳۸۱)، بارداری و زایمان، جلد ۱، مترجم: قاضی جهانی و همکاران، چاپ دوم، ص ۶۵.
- ۵۰) یزدیان جعفری، جعفر، (۱۳۸۸)، نقش، جنسیت در مجازات مجرم، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۵.

The need to detain delinquent women heads of households In Iranian jurisprudence and law with an approach to French law

Majid Vaziri
Hamed Hosayni

Abstract

There is a controversy about the possibility of compensating for the losses caused by the depreciation due to time over time, but it seems that the reasons for the respondents are more powerful than compensation. The payback is nothing but purchasing power and volatility. Therefore, in order to pay the deductible, you must pay a deduction from purchasing power on the day of borrowing. At present, only the provision that can be applied to the ability to compensate for the depreciation of the value is Article ۵۲۲ of the Code of Civil Procedure, and therefore there is no general rule in this regard, and it faces the possibility of compensation with a wide range of obstacles.

Keywords: loss, Reciprocity, Price, Money, Purchasing Power, Nominal Value of Money.



studies of economic jurisprudence

پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی